

## مقدمه:

۱-۱) بیان مسئله: یکی از راه‌های تقویت زبان، واژه‌سازی است. این کار در گذشته به وسیله‌ی ترکیبات فراوان انجام و موجب کثرت واژگان زبان فارسی شده‌است. به ویژه اسم، صفت و فعل، فراوان از این شیوه بهره مند بوده‌اند و خود اقسام گوناگونی دارند. این پژوهش بیان انواع و اقسام ترکیبات (اسمی، صفتی و قیدی) در دو اثر نظامی (خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار) است تا به عنوان شاعری واژه‌پرداز و ترکیب ساز مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲) اهمیت موضوع: در زبان شناسی، بحث در خصوص اقسام ترکیب به عنوان شیوه‌ای در افزایش واژگان یک زبان و تحلیل پایه‌های آن یکی از مهم‌ترین مباحث به شمار می‌آید که در اکثر دستورهای زبانی از طرح و تحلیل آن غافل بوده‌اند. این پژوهش به بررسی اقسام گوناگون ترکیبات اسمی، صفتی و قیدی می‌پردازد.

۱-۳) فرضیه‌ها یا سؤال‌های تحقیق:

الف: شاعر تا چه اندازه از این ترکیبات بهره جسته‌است؟

ب: ساختمان ترکیبات چگونه‌است؟

ج: نقش ترکیبات در پویایی زبان چیست؟

د: توفیق شاعر در آفرینش ترکیبات نو تا چه حد و چگونه‌است؟

و...

۱-۴) اهداف تحقیق: بررسی ترکیبات زبانی در دو اثر مذکور و تحلیل آن و بیان سهم نظامی در ترکیب و واژه‌سازی با توجه به شمار ترکیبات به دست آمده و تقسیم و تنظیم هر کدام از آنها به شیوه‌ی علمی و دقیق زبانی.

۱-۵) روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش کار در رساله‌ی حاضر کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه‌ی دقیق خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار نظامی، بررسی ترکیبات آن و نتیجه‌گیری بر اساس یافته‌های تحقیق بوده‌است.

۱-۶) مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح: مقوله‌های زبانی و نقش آن‌ها در ساخت واژه‌ها مانند اسم، صفت و قید، اقسام ترکیب، ترکیب‌های فاعلی، مفعولی و...

## مختصری از زندگانی نظامی

۱- نام، مولد و سال تولد نظامی

"عموم تذکره نویسان نام و شهرت نظامی و پدر و جدش را بدین گونه نوشته‌اند:

الیاس تخلص و مشهور به نظامی پسر یوسف پسر زکی پسر مؤید. کنیه‌ی او را ابومحمد و لقبش را نظام الدین نوشته‌اند... زادگاه نظامی را بیشتر مورخان و تذکره نویسان و محققان ایرانی و غیر ایرانی شهر قدیمی گنجه که واقع در آذربایجان و از شهرهای آباد ایران بوده‌است، نوشته‌اند ولی همین نویسندگان نیز عموماً یادآور شده‌اند که اصل نظامی از خاک عراق (نواحی قم و تفرش) بوده و پدرش از عراق به گنجه مهاجرت کرده‌است... پرفسور ریپکا و برتلس تولد او را در سال ۵۲۵ هجری موافق ۴۱-۱۱۴۰ میلادی در گنجه دانسته‌اند، شبلی نعمان سال ولادت را ۵۳۳ هجری و وحید دستگردی میان سال‌های ۵۳۳ تا ۵۴۰ هجری دانسته‌اند. بنابراین قدر مسلم آن است که تولد شاعر بزرگوار در نیمه‌ی اول قرن ششم هجری بین سال‌های ۵۳۰-۵۴۰ هجری اتفاق افتاده‌است." (شهابی ۲۰-۱۴)

۲- مذهب نظامی

"نظامی مسلمان و معتقد به دین حنیف اسلام و در مورد ابیات خود نیز گفته‌است:

هر چه نه از شرع برآرد علم                      گر منم آن حرف در او کش قلم

هر سخنی کز ادبش دوری است                      دست بر او مال که دستوری است" (ثروتیان ۲۵)

۳- آثار نظامی

"درباره‌ی نظامی نوشته‌اند که دیوان شعری داشته که حاوی بیست هزار بیت بوده که اکنون معدودی از ابیات وی به جا مانده‌است. لیکن قسمت عمده‌ی شهرت وی به جهت سرودن خمسه یا پنج گنج است که مورد توجه عام قرار گرفته‌است... هر یک از این مثنوی‌ها به نام یکی از حکمرانان زمان وی بوده‌است، مثلاً کتاب مخزن‌الاسرار را که در بحر سریع؛ یعنی مفتعلن مفتعلن فاعلن یا فاعلات می‌باشد به نام ملک

فخرالدین بهرام شاه صاحب ارزنجان - باج گذار قلج ارسلان از سلجوقیان روم - سروده است که درباره‌ی وی می‌گوید:

شاه فلک تاج سلیمان نگین      مفخر آفاق، ملک فخر دین (مخزن الاسرار - ص ۳۱ - وحید)

این مثنوی در حدود ۲۲۶۰ بیت است که تقریباً در سال ۵۷۰ هجری سروده شده است. " (جوینی ده)

"خسرو و شیرین بیش از ۶۵۰۰ بیت است در بحر هزج مسدس مقصور: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن سروده شده و به نام طغرل بن ارسلان سلجوقی (۵۷۳-۵۹۰ هـ) و اتابیک اعظم شمس الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز (۵۶۸ - ۵۸۱ هـ) و قزل ارسلان بن ایلدگز (۵۸۱ - ۵۸۷ هـ) آغاز و به نام طغرل و قزن ارسلان پایان می‌یابد. " (زنجان ۲۷)

در اینجا به دلیل اختصار از بررسی سایر آثار نظامی خودداری می‌کنیم.

#### ۴- سبک شعری نظامی

"نظامی از شاعرانی است که بی شک باید او را در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از آن سخن‌گویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد یا تکمیل سبک و روش خاصی توفیق یابد. اگر چه داستان سرایی در زبان فارسی به وسیله‌ی نظامی شروع نشده، و چنان که دیده‌ایم از آغاز ادب فارسی سابقه داشته است، لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانست این نوع از شعر، یعنی شعر تمثیلی را، در زبان فارسی به حدّ اعلای تکامل برساند، نظامی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر مورد و تصویر جزئیات و نیروی تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر رائع و ریزه‌کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال و به‌کار بردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است. عیبی که بر سخن او می‌گیرند آن است که به خاطر یافتن معانی و مضامین جدید گاه چنان در اوهم و خیالات غرق شده، و یا برای ترکیبات جدید گاه چندان با کلمات بازی کرده است که خواننده‌ی آثار او باید به زحمت و با اشکال بعضی از ابیات وی را که اتفاقاً عده‌ی آنها کم نیست، درک کند. ضمناً این شاعر بنابر عادت اهل زمان از آوردن اصطلاحات علمی و لغات و ترکیبات عربی وافر و بسیاری از افکار فلاسفه و اصول و مبانی فلسفه و علوم به هیچ روی کوتاهی نکرده و به همین سبب آثار او در حکم دایرةالمعارفی از علوم و اطلاعات مختلف وی گرفته و در بعضی موارد چنان دشوار و پیچیده شده است که جز با شرح و توضیح قابل فهم نیست. " (صفا ۳۵۴)

## ۵- مقلدان نظامی

"مهارتی که نظامی در تنظیم و ترتیب منظومه‌های خود به کار برده‌است باعث شد که به زودی آثار او مورد تقلید شاعران قرار گیرد و این تقلید از قرن هفتم به بعد آغاز شد و در تمام دوره‌های ادبی زبان فارسی ادامه یافت. شماره‌ی کسانی که آثار او را تقلید کرده‌اند بسیار است. نخستین و بزرگ‌ترین شاعری که به تقلید از نظامی در نظم پنج‌گنج همّت گماشت امیر خسرو دهلوی است و بعد از او از میان مقلدان بزرگ وی می‌توان خواجه و جامی و هاتقی و قاسمی و وحشی و عرفی و مکتبی و فیضی فیاضی و اشرف مراغی و آذر بیگدلی را نام برد که هر یک همه یا بعضی از مثنوی‌های او را تقلید کرده‌اند." (همان ۳۵۹)

## ۶- مقام شاعری و مقایسه‌ی وی با شعرای بزرگ

"سنجش مقام شاعری حکیم نظامی با ذوق سلیم و رأی مستقیم (سنجیدن کوه با ترازوست) و (پیمودن ماهتاب پاکز) تا به ذوق ناسلیم و سلیقه‌ی کج و رأی معوج چه رسد.

از این استاد بزرگ گنجوی شش گنجینه در پنج بحر مثنوی جهان را یادگار است و استادان سخن و اهل غور و تأمل دانند که پیش از نظامی هیچ کس دارای این گونه سخن نبوده و بعد از نظامی نیز با آن که هزاران شاعر از قبیل امیر خسرو و خواجه و جامی به تقلید و پیروی برخاسته و خمسه‌سرایان پیشه کرده‌اند احدی از عهده‌ی تقلید برنیامده و دفتری که پسند ذوق و دلخواه عموم و شایان خواندن و مطالعه باشد نپرداخته‌است." (گنجینه‌ی گنجوی ۴۷)

## ۷- وفات نظامی

"تاریخ وفات حکیم نظامی را باید بین سال‌های ۵۹۹ تا ۶۰۲ دانست. نظامی دارای بقعه و مرقد و زیارت گاه بوده‌است، که در طول قرن‌ها اندک اندک رو به خرابی نهاده‌است. ولی در سال‌های گذشته از طرف دوست جمهوری آذربایجان شوروی نسبت به مرقد استاد بزرگ تعمیرات و اصلاحات اساسی به عمل آمده‌است." (کلیات نظامی ۷)

## واژه‌سازی:

آشنایانی به ساخت زبان و دستور، به خوبی می‌دانند که واژه‌سازی یکی از مهم‌ترین مسائل زبان است. نویسندگان، شاعران و اهل قلم بیش از دیگران، اهمیت واژگان را در می‌یابند و به امر واژه‌سازی به عنوان موضوعی بسیار مهم و ضروری می‌نگرند.

بدون شک، واژه‌سازی نیازمند اصول و قواعد است. یکی از این اصول آن است که واژه ساز باید بر زبان، ویژگی‌ها و دقایق آن اشراف داشته‌باشد، به علاوه باید از ذوق سرشار در این زمینه برخوردار باشد. چنین کسی شاعر یا نویسنده‌ی طراز اولی است که در استادی و مهارت او در شناخت زبان تردیدی نباشد و یا استاد در زبان‌شناسی است که سالیان سال در زمینه‌ی زبان‌شناسی کاوش و تحقیق کرده باشد.

## نظامی و واژه‌سازی:

در زبان فارسی، شمار استادان سخن از آن دست که برشمردیم، یعنی شاعران و نویسندگان و ادیبان ممتاز اندک نیست. در میان این بزرگان سخن، نظامی گنجوی از جهت پرداختن به موضوع واژه‌سازی - به خصوص در مخزن‌الاسرار و خسرو و شیرین - جایگاه ویژه‌ای دارد و در ساختن ترکیبات زیبا و بدیع، آن قدر توانست که می‌توان «ترکیب‌سازی» را یکی از ویژگی‌های سبکی وی به شمار آورد.

غرض از ترکیب در این رساله، ساختمان‌های ترکیبی اسم، صفت و قید در دو اثر نام برده‌است. البته همان طور که ملاحظه خواهد شد، علاوه بر ساختمان‌های ترکیبی، ساختمان‌های مشتق مرکب (پیچیده) نیز مد نظر بوده‌است.

## ویژگی‌های زبانی دو کتاب

بیشتر ترکیبات در خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار، ترکیبات جدید هستند. این ترکیبات از جهت ساختمان کلمه با الگوها و ساختمان‌های متنوع کلمات مرکب زبان فارسی مطابقت دارد. اما از جهت معنا و نوع کلمه به وسیله‌ی نظامی ابداع شده‌اند. مثلاً کلمه‌ی "مرسله پیوند" که ساختمان معینی دارد و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از این ساختمان را نظامی در مخزن‌الاسرار به کار برده‌است، ساختمان جدیدی ندارد، اما نوع کلمه تازه‌است. یعنی این کلمه با این ترکیب و این معنی در جای دیگر به کار نرفته‌است. واژه‌های جدیدی که نظامی در این دو کتاب به کار برده‌است عمدتاً زیبا و خوش آهنگ هستند. در مجموع واژه‌های مستخرج از خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار کمتر واژه‌ای را می‌توان یافت که خوش آهنگ و

برخوردار از بار معنایی خوب و دارای ابتکار و تازگی نباشد. در عین حال ابیات و ترکیباتی که از جهت معنایی دارای تعقید و پیچیدگی هستند، تعدادشان کم نیست. مثلاً ترکیباتی نظیر: پایه ترس، دین گذار، طرفگیر، خلافت سریر، بازیچه رنگ و گرگ آشتی در مخزن‌الاسرار و لغات مرکبی از قبیل رستم سوارو سلطان سوار در خسرو و شیرین علاوه بر آن که دارای تعقید هستند، از فصاحت و شیوایی چندانی برخوردار نیستند. با همهی این اوصاف حق آن است که بگوییم کلام نظامی از زیبایی، استحکام، سلاست و روانی بهره‌مند است. به حدی که خواننده از خواندن آثار وی خسته نمی‌شود.

از جمله نکات قابل توجه در مخزن‌الاسرار آن است که برخی ترکیب‌های جدید فقط یک بار در آن به کار رفته‌است. مانند: فلک آوازه، موی تراش، خانه بر، گره در گره. در خسرو و شیرین نیز این ویژگی تا حد زیادی به چشم می‌خورد، مانند: مانوی دست، سلطانی حمایل و سر بزرگان. این نکته نشان از آن دارد که داستان سرای گنجه علاوه بر داشتن ابتکار و قدرت واژه‌سازی و اطلاع از علوم زمان خود، قصد و عمدی در پرداختن به این امر داشته‌است تا برتری خود را در سخن وری و علم و دانش به هم‌تایان خود نشان دهد. چنان‌که به گواهی بعضی از ابیاتش بر قدرت سخن رانی و شعرپردازی خود آگاهی داشته‌است.

ویژگی دیگری که در اشعار نظامی به چشم می‌خورد این است که، معنای بعضی از کلمات با آن چه در نگاه اول به نظر می‌رسد یا اجزای ترکیب نشان می‌دهد تفاوتی اندک و گاه بسیار دارد و با وجود ساختمان معین، مقوله‌ی دستوری آن متفاوت است. مانند: مشک انداز، فندق افشان

### ترکیبات پر کاربرد نظامی:

بیشترین ترکیبات جدید نظامی از جهت مقوله‌ی دستوری صفت است؛ ترکیبات اسمی و قیدی در مراحل بعد قرار می‌گیرند. در میان ترکیبات نظامی مطابق با یک الگو و ساختمان، بیشترین کلمات جدید ساخته شده‌اند و این نوع ساختمان بیشترین حجم ترکیبات نظامی را در مخزن‌الاسرار و خسرو و شیرین به خود اختصاص داده‌است. این الگو که بیش از یک سوم ترکیبات در دو اثر مذکور مطابق آن ساخته شده عبارت است از: مفعول و ریشه‌ی مضارع فعل مانند "دلبر"، "موی شکاف". به عبارت دیگر، اجزای این ترکیب از یک کلمه - اغلب اسم - و ریشه‌ی فعل مضارع تشکیل می‌گردد. مثلاً "کرسی نه" یعنی، آنکه کرسی را می‌نهد و "روز آفرین" یعنی آن که روز را می‌آفریند. مجموع کلمات ساخته شده با این الگو - البته با ارتباط‌های نحوی متفاوت در مخزن‌الاسرار بالغ بر ۱۰۰ واژه و در خسرو و شیرین بالغ بر

۳۰۰ واژه‌است. کلیه‌ی این کلمات، صفات فاعلی مرکب هستند. در خسرو و شیرین از نظر حجم و تعداد، ترکیب اسمی با ساخت صفت مرکب (اسم+ بن مضارع) + "ی" مصدری مانند دل بری، ایزد شناسی، جهان داری در مرحله‌ی دوم قرار می‌گیرند. بعد از این الگو، به ترتیب صفاتی با الگوی صفت + اسم (ترکیب وصفی ساده<sup>۱</sup>) مانند: تنگ دل، سیه چشم/ اسم + اسم (ترکیبات بهووری<sup>۲</sup>) مانند آتش طبع، سنگ دل، فلک آوازه/ صفات فاعلی با ساخت‌های اسم (مفعول) + بن ماضی + ه مانند: دل داده و پرفکنده، قید کیفیت+ بن مضارع مانند: گرم رو، تنهانشین و متمم قیدی+ بن مضارع، مانند: پیش‌بین و دوران‌دیش روی هم رفته از پرکاربردترین ترکیبات نظامی هستند.

سپس ترکیبات اسمی با ساخت‌های اسم + اسم (به صورت ترکیب اضافی مقلوب) مانند: تعزیت نامه، بتخانه/صفت مرکب (اسم + اسم) + "ی" مصدری مانند دولت دوستی، سیماب کاری در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. ضمن اینکه در خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار تعداد قیود مرکب بسیار اندک است، باید متذکر شد که در میان ترکیبات قیدی به ترتیب الگوی اسم (مفعول) + صفت فاعلی (قید حالت): مانند پای کوبان، گیسوکشان، سخن‌گویان/ اسم + حرف اضافه + اسم، مانند: نارنج در دست، باده دردست بیشترین حجم و الگوی اسم + میانوند + اسم مانند سراسر و پیاپی کمترین حجم لغات و به عبارتی قیود مرکب در خسرو و شیرین را تشکیل می‌دهند.

در مخزن‌الاسرار بعد از صفات فاعلی با ساخت مفعول (که اغلب اسم است) + بن مضارع که بیشترین حجم کلمات و حتی صفات مرکب را تشکیل می‌دهند، به ترتیب ترکیبات وصفی بهووری با ساخت اسم + اسم مانند: فیروزچنگ، چشمه رای، سکندر منش، آتش طبع/ ترکیبات اسمی با ساخت صفت فاعلی مرکب (اسم + بن مضارع) + "ی" مصدری - البته با ارتباط‌های نحوی متفاوت - مانند عاقبت‌اندیشی، سایه پرستی/ ترکیب اضافی مقلوب مانند: گلبن، ره توشه، ترکیب اسمی با ساخت صفت مرکب (صفت+اسم) + "ی" مصدری مانند: تنگ دلی، نیک اختری، گران گوشی/ صفت مفعولی با ساخت یک کلمه (که اغلب اسم است) + ریشه‌ی مضارع - با ارتباط‌های نحوی متفاوت - مانند: انگشت‌رس، گل‌آمیز، دست‌گزین/ ترکیب وصفی با ساخت اسم + صفت مانند: دست تهی و روسیه/ ترکیب اسمی با ساخت

---

۱- ترکیباتی که از همنشینی صفت و اسم پدید می‌آیند (افراشی، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

۲- ترکیب‌های وصفی بهووری از همنشینی دو اسم پدید می‌آیند که یکی از آنها در معنی صفت است. این ترکیب‌ها، ترکیب‌های وصفی‌ای اند که در آن‌ها کل ترکیب می‌تواند در نقش صفت به کار رود. (افراشی، ۱۳۸۸، ص ۹۹)

صفت مرکب (اسم+اسم) + "ی" مصدری مانند: پشت صلیبی و بحر شکوهی / ترکیب اسمی با ساخت صفت فاعلی مرکب (قید+بن مضارع) + "ی" مصدری، مانند: بیش ستانی، خام کشی / ترکیب صفتی با ساخت متمم قیدی + بن مضارع با تقدیر حرف اضافه‌ی چون، مانند: خورشیدفروز، فاختره‌رو، برقررو / ترکیب وصفی با ساخت اسم + حرف اضافه + اسم مانند: ابلق به دست از پرکاربردترین لغات مرکب هستند. لازم به ذکر است که تعداد ترکیبات قیدی در مخزن‌الاسرار نیز بسیار کم است. در این میان ترکیب قیدی با ساخت دو اسم مکرر + حرف اضافه، مانند: موی به موی، گام به گام، میل به میل، بیشترین حجم قیود مرکب را تشکیل می‌دهند. ترکیباتی چون گریان گریان که از تکرار دو صفت فاعلی (حالیه) به وجود آمده و ترکیب قیدی (قید حالت) با ساخت صفت فاعلی مرکب (اسم + بن مضارع) + پسوند "انه" مانند خانه‌فروشانه که هر کدام یک بار در مخزن‌الاسرار به کار رفته‌اند از کم‌حجم‌ترین لغات مرکب مخزن‌الاسرار هستند.

## فصول رساله

فصل اول این پایان‌نامه به بحث‌های مقدماتی پیرامون صرف و اصطلاحات بنیادی می‌پردازد. چرا که صرف تا قرن نوزدهم، به عنوان حوزه‌ای مستقل که به بررسی ساختمان درونی واژه‌ها می‌پردازد مورد توجه قرار نگرفته بود و معمولاً در کنار نحو که همان بررسی ساختمان درونی جمله‌هاست در یک حوزه مورد بررسی قرار می‌گرفت. بعد از بحث صرف، در مورد اصطلاحات بنیادین از جمله واژه، تکواژ و انواع آن، کلمه‌ی بسیط، مشتق، مرکب و پیچیده توضیحاتی داده خواهد شد. در فصل دوم مباحث مربوط به ترکیب و فرآیند واژه‌سازی مطرح خواهند شد. به این صورت که ابتدا تعاریفی از ترکیب و کلمه‌ی مرکب ارائه می‌شود، سپس فرآیند واژه‌سازی، واژه‌های مرکب درون مرکز و برون مرکز و ملاک‌های تشخیص واژه‌ی مرکب از گروه نحوی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، از ملاک‌های آوایی، صرفی و نحوی جهت تشخیص واژه‌ی مرکب از گروه نحوی نام برده شده‌است. فصل سوم به بررسی و نقد پژوهش‌های سنتی و جدید زبان فارسی پیرامون مباحث مربوط به ترکیب و اشتقاق اختصاص دارد. در این فصل دستورهایی از قبیل پنج استاد، خیام پور، دستور جامع همایون فرخ، دستور زبان ارژنگ، دستور زبان خانلری، دستور تاریخی خانلری، مقاله‌ی "کلمه‌ی مرکب و معیارهای تشخیص آن در زبان فارسی" و آثاری مانند "ترکیب در زبان فارسی"، "اسم و صفت مرکب در زبان فارسی" و "ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز" مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پایان از مقایسه‌ی آثار سنتی و جدید نتایج حاصل شده‌است. به عنوان نمونه یکی از تفاوت‌های مهم پژوهش‌های سنتی با



پژوهش‌های جدید مربوط به تعاریفی است که از اشتقاق و ترکیب ارائه می‌دهند. دستورهای سنتی تحت تأثیر دستورنویسی عربی کلمه‌ی مشتق را برگرفته از فعل و کلمه‌ی مرکب را متشکل از دو جزء می‌دانند. ضمن اینکه در مورد این اجزاء توضیحی نمی‌دهند. امادستورهای جدید کلمه‌ی مشتق را متشکل از یک تکواژ آزاد + یک پاره واژه (پسوندها) و کلمه‌ی مرکب را حاصل پیوند دو یا چند تکواژ آزاد می‌دانند. در فصل‌های چهارم، پنجم و ششم به ترتیب انواع ترکیبات اسمی، صفتی و قیدی در خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار به همراه تحلیل و ذکر زیرساخت پاره‌ای از آنها ارائه شده‌است. در فصل آخر به نتیجه‌گیری کلی پرداخته خواهد شد.

# فصل اول: مبانی نظری

یکی از حوزه های زبان، حوزه ی صرف (morphology) است. صرف از یک طرف به چگونگی شکل گیری واژه ها از اجزای سازنده ی آن ها یعنی تکواژ (morpheme) ها می پردازد، و از سوی دیگر بر چگونگی مشارکت واژه ها در ساخت های واژگان بزرگ تر نظارت می کند.

در این فصل مقدمات ورود به بحث صرف و اصطلاحات بنیادی بررسی می شود. برخی از این اصطلاحات عبارت اند از: صرف، واژه، تکواژ و انواع آن.

## ۱- صرف

"صرف شاخه ای از زبان شناسی است که به مطالعه ی ساختمان درونی واژه ها و روابط حاکم بر آن ها می پردازد. هدف نهایی مطالعات صرفی دست یافتن به نظریه ای است که دو منظور را برآورده می سازد: نخست اینکه بتوان به کمک این نظریه ساختمان واژه در زبان مورد مطالعه را توصیف کرد و ابزاری برای شناسایی انواع واژه اعم از بسیط (غیر قابل تجزیه) و غیر بسیط (قابل تجزیه)، عناصر سازنده ی واژه های غیر بسیط و همچنین قواعد ساخت واژه را فراهم آورد. علاوه بر این، چنین نظریه ای باید بتواند موارد استثنایی و شرایط حاکم بر ساختمان های رایج را نیز توصیف کند؛ به عبارتی دیگر ساختمان درونی واژه در زبان مورد نظر را بتواند با صراحت و دقتی منطبق بر شم زبانی گویشور بومی توصیف و تبیین کند و قدرت شناسایی ناواژه ها و همچنین واژه های بیگانه ای را داشته باشد که از قواعد و هنجارهای رایج در زبان مورد مطالعه تبعیت نمی کنند. دوم، هدف صرفیون یا کسانی که به طور اخص به مطالعه صرف می پردازند دست یافتن به نظریه ای است که قدرت توصیف و تبیین حوزه ی صرف دستور هسته ای یا جهانی را داشته باشد؛" (شقایق ۹)

## ۲- واژه

"به رغم مشکلاتی که در تعریف واژه وجود دارد ما ناچاریم به نحوی واژه را تعریف کنیم. واژه به مقوله ای انتزاعی اشاره می کند، نه عنصری که در یک متن زبانی یافت می شود، بلکه بخشی از ساخت یک زبان که در واژه نامه ها ذکر می شود یا در واژگان ذهنی گویشوران زبان وجود دارد. این مفهوم اصطلاح واژه محدودتر از مفهوم کلی آن است. در زبان فارسی در بعضی از متون برای واژه معادل "کلمه" را نیز آورده اند. یک واژه ممکن است در مواقع مختلف در متن گفتاری یا نوشتاری تحقق یابد که به هر یک از این موارد یک "صورت واژگانی" می گویند. مثلاً در واژه های "کتاب ها"، "کتابم" و "کتابتان" صورت های واژگانی واژه ی "کتاب" تحقق یافته اند و اگر عناصر صرفی را حذف کنیم، آنچه باقی می ماند صورت واژگانی است." (صدر ثقه الاسلامی ۱۶)

### ۳- تکواژ

"یک تعریف همگانی و نسبتاً پذیرفته حاکی از این است که تکواژ عبارت است از کوچک‌ترین سازه‌ی معنادار واژه؛ به عبارت دیگر، آن سازه‌ی واژه که دیگر نتوان آن را به سایر سازه‌های معنادار تجزیه کرد. مثلاً واژه‌ی [دانشمند] را می‌توان به سه سازه‌ی (تکواژ) [دان، اش، مند] تجزیه کرد. اما هیچ یک از این سه سازه را دیگر نمی‌توان به سازه‌های کوچک‌تری که مفهومی داشته باشند، تجزیه نمود. بنابراین می‌گوییم که واژه‌ی [دانشمند] از سه تکواژ تشکیل شده‌است. البته این تعریف و این مثال فقط نمایان‌گر یک نوع تکواژ در زبان فارسی هستند." (غلامعلی زاده ۲۵۳)

### انواع تکواژ

۱- آزاد: ۱- قاموسی ۲- دستوری

۲- وابسته: ۱- اشتقاقی ۲- تصریفی

۱/۱- تکواژ آزاد قاموسی: "تکواژی که ممکن است به تنهایی به صورت واژه ای ساده به کار برود و یا پایه‌ی واژه در واژه‌های فعل یا غیر فعل باشد.

الف) کتاب، رود، خانه، درخت، خوب

ب) سوز (مثلاً در می‌سوزد)، دان (در دانستن) (لازم به ذکر است برخی زبان شناسان بن مضارع را تکواژ وابسته‌ی دستوری بر می‌شمرند.)" (علوی مقدم و پاشایی ۲۴-۲۳)

۱/۲- تکواژ آزاد دستوری: تکواژی است که معنی مستقل و معینی ندارد ولی نقش دستوری بر عهده دارد. در زبان فارسی تمام پیشوندها، پسوندها و حروف ربط و اضافه تکواژ دستوری به شمار می‌آیند. (افراشی ۶۸)

۲/۱- تکواژ وابسته‌ی اشتقاقی:

"به تکواژهایی که تنها به عنوان پیشوند یا پسوند به همراه پایه‌ی واژگانی فعل یا غیر فعل به کار می‌روند و از این راه واژه پدید می‌آورند تکواژ اشتقاقی گفته می‌شود. تکواژهای اشتقاقی دو ویژگی عمده دارند:

الف - در مقایسه با پایه‌ی واژه که به همراه آن به کار می‌روند، دسته یا مقوله‌ی دستوری واژه‌ی حاصل از اشتقاق را متفاوت می‌سازند، مانند نمونه‌های (۵):

(۵)

دان (پایه‌ی فعل) + - ش ← دانش (اسم)

توان (پایه‌ی فعل) + مند ← توانمند (اسم، صفت)

خوب (پایه‌ی صفت) + ی ← خوبی (اسم)

بی + صبر (پایه‌ی اسم) ← بی صبر (صفت)

بسیاری با هم‌های پایه‌های واژگانی از یک دسته یا مقوله به کار نمی‌روند، مانند نمونه‌های (۶الف) و (۶ب) (نشانه‌ی \* صورت نادرست را نشان می‌دهد):

(۶)

(الف) کارمند، سالمند، دولتمند، هنرمند، توانمند و ...

(ب) \*ترسمند\* میهمانمند\* زیانمند، ... " (مشکوٰۃ الدینی ۲۸-۲۹)

۲/۲- تکواژ وابسته‌ی تصریفی

"وند تصریفی فقط نقش دستوری دارد و هیچ‌گاه واژه‌ی جدید نمی‌سازد، بلکه فقط صورت متفاوتی از همان واژه‌ی پایه را تولید می‌کند. وند تصریفی با مفاهیم دستوری سروکار دارد. مفاهیمی چون جمع (در اسم‌ها)، زمان، وجه، نمود، جهت، شخص و شمار (در فعل‌ها) و مقایسه (در صفت‌ها) به کمک وند تصریفی یا واژه‌ای مستقل به پایه افزوده می‌شوند. وند تصریفی فقط نقش دستوری دارد و هیچ‌گاه واژه‌ی جدیدی نمی‌سازد، بلکه فقط صورت متفاوتی از همان واژه‌ی پایه را تولید می‌کند. تعداد وندهای تصریفی در مقایسه با وندهای اشتقاقی کمتر است و یک مجموعه‌ی بسته را تشکیل می‌دهند و به ندرت و پس از گذشت زمان نسبتاً طولانی، شاید حدود چند قرن، ممکن است در تعداد آن‌ها تغییری به وجود آید. وندهای تصریفی معنا یا مقوله‌ی دستوری واژه‌ی پایه را تغییر نمی‌دهند، بلکه فقط مفهوم نقش دستوری مورد نیاز نحو را به پایه می‌افزایند." (شقاقی ۷۱-۷۲)

#### ۴- کلمه‌ی بسیط

کلمه‌ای که فقط یک تکواژ داشته باشد بسیط نامیده می‌شود. مانند: کتاب، ایران، تخت. از آنجایی که تکواژهای وابسته نمی‌توانند به تنهایی به کار روند، تکواژ کلمه‌ی بسیطاً تکواژ آزاد خواهد بود.

## ۵- کلمه‌ی مشتق

کلمه‌ی غیر بسیطی که فقط از یک تکواژ آزاد و یک (یا چند) تکواژ وابسته ساخته شده باشد، مشتق نام دارد، مانند: دانشمند، کوشش.

## ۶- کلمه‌ی مرکب

کلمه‌ای که از دو یا چند کلمه تشکیل شده باشد، به طوری که هرکدام از این کلمات به تنهایی دارای معنی باشد، کلمه‌ی مرکب به حساب می‌آید. این کلمات هرکدام می‌تواند بسیط و یک کلمه‌ی غیر بسیط باشد، مثلاً: " گل رخ " (مرکب از دو کلمه‌ی بسیط)، "چهار پایه" (مرکب از یک کلمه‌ی بسیط و یک کلمه‌ی غیر بسیط) و "آشپزخانه " (مرکب از یک کلمه‌ی غیر بسیط و یک کلمه‌ی بسیط) و "تخمه ژاپنی " (مرکب از دو کلمه‌ی غیر بسیط).

## ۷- کلمه‌ی پیچیده (مشتق مرکب)

کلمه‌ی پیچیده آمیزه‌ای است از مرکب و مشتق. به اعتبار اینکه بعضی از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن، کلمات مستقل و معنی‌دار هستند، کلمه‌ی مرکب شمرده می‌شود و به جهت آن که جزء معنی‌ساز یعنی پاره واژه یا پسوند در ساختمان آن به کار رفته، مشتق است. در عین حال نمی‌توان آن‌ها را صرفاً مشتق یا مرکب نامید. مثلاً کلمه‌ی "شیردلی" که یک کلمه‌ی پیچیده است، از دو کلمه مستقل و معنی‌دار شیر و دل ترکیب یافته و صفت مرکب به وجود آورده است. آن‌گاه پسوند "ی" بر آن افزوده شده، هم معنی و هم مقوله‌ی دستوری آن را تغییر داده است. یعنی صفت مرکب به اسم مصدر مرکب تبدیل شده است.

فصل دوم:

بررسی مقوله‌ی ترکیب

## ۱- ترکیب

کلمه‌ی مرکب آن است که از کلمه‌ها یا نیمه‌کلمه‌ها یا ترکیب آن‌دو ساخته شده باشد، به طوری که اجزای ترکیب، خاصیت صرفی یا نحوی یا معنایی خود را از دست داده باشند، مانند: گلاب (مرکب از دو کلمه‌ی "گل" و "آب") و جاخالی زدن (مرکب از کلمه‌ی "جاخالی" و کلمه‌ی "زدن") و پرس و جو (مرکب از دو کلمه‌ی "پرس" و "جو")

"هنگامی که دو یا چند عنصر که می‌توانند به طور بالقوه به عنوان ستاک به کار روند، با هم ترکیب شوند و ستاک دیگری را به وجود آورند ستاک حاصل را مرکب (بائر، ۱۹۸۴، ص ۲۸) و فرآیند مذکور را ترکیب می‌نامیم. بنابراین در واژه‌ی مرکب دو یا چند ستاک بالقوه وجود دارد. از آنجا که هر ستاک بالقوه دارای حداقل یک ریشه است، واژه‌ی مرکب باید دارای حداقل دو ریشه باشد، ولی باید خاطر نشان کرد که این تعریف کاملاً مناسب نیست، زیرا فرآیندهای اشتقاقی ممکن است گاهی بر صورت‌هایی که شامل بیش از یک ریشه هستند اعمال شوند. در چنین مواردی می‌توان گفت که پایه‌ی فرآیند اشتقاقی مرکب است، ولی کلّ واژه یک واژه‌ی مرکب نیست. بنابراین یک واژه‌ی مرکب واژه‌ای است که از دو یا چند ستاک بالقوه تشکیل شده و تحت تأثیر فرآیندهای اشتقاقی قرار نگرفته است (همان، ۱۹۸۴، ص ۳۱)" (ضرغام ۲۰)

"واژه‌ای را مرکب نامند که از بیش از یک واژه‌ی بسیط (عموماً دو واژه) تشکیل یابد؛ مثل: "کارخانه"، "چادر نماز"، "رخت شوی" و... " (غلامعلی زاده ۲۵۵).

## ۲- واژه سازی

"واژه‌ها از رهگذر عملکرد فرآیندهای واژه‌سازی ساخته می‌شوند... مقصود از فرآیند واژه‌سازی، ساز و کاری فعال است که به صورت تکرار شونده بر تعداد واژه‌های زبان می‌افزاید. یکی از راه‌های واژه‌سازی در زبان فارسی ترکیب است. از رهگذر عملکرد فرآیند ترکیب تکواژهای قاموسی در کنار هم هم‌نشین می‌شوند تا واژه‌ی مرکب (compound) پدید آید. بنابراین واژه‌ی مرکب واژه‌ای است که در ساختمان آن دو یا چند تکواژ قاموسی به کار رفته باشند.

ترکیب یک فرآیند واژه‌سازی فعال برای ایجاد واژه‌های جدید در همه‌ی زبان‌هاست. بنابراین استفاده‌ی زبان‌ها از فرآیند ترکیب را می‌توان یک جهانی‌زبانی به شمار آورد" (افراشی ۸۴).



### ۳- واژه های مرکب درون مرکز و برون مرکز

"مسئله‌ی قابل توجه در ارتباط با معانی واژه‌های مرکب آن است که همیشه نمی‌توان واژه‌ی مرکب را حاصل جمع معانی اجزای آن دانست. بر این اساس، به لحاظ معنایی واژه‌های مرکب به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شوند:

الف- واژه‌های مرکب درون مرکز (endocentric compound)

ب- واژه‌های مرکب برون مرکز (exocentric compound).

واژه‌های مرکب درون مرکز، واژه‌هایی هستند که هسته‌ی معنایی‌شان درون واژه‌ی مرکب قرار دارد. به بیان ساده‌تر یکی از اجزاء آن هسته‌ی معنایی و اجزای دیگر توصیفگر آن محسوب می‌شوند. نمونه‌های زیر واژه‌های مرکب درون مرکز به شمار می‌آیند:

چراغ مطالعه ← نوعی چراغ      میز تحریر ← نوعی میز

در مقابل واژه‌های مرکب برون مرکز، واژه‌هایی هستند که هسته‌های معنایی‌شان درون واژه‌ی مرکب قرار ندارد. به بیان ساده‌تر، اجزاء این نوع از ترکیب‌ها در خدمت توصیف مفهومی بیرونی قرار دارند. نمونه‌های زیر واژه‌های مرکب برون مرکز محسوب می‌شوند.

سینه سرخ ← نوعی پرنده      پاشنه بلند ← نوعی کفش      تاج خروس ← نوعی گل "

(همان ۸۶)

### ۴- اجزای سازنده‌ی کلمه‌ی مرکب

"در اغلب توصیف‌های مربوط به ساختار واژه‌های مرکب، به ترکیب دو تکواژ آزاد یا واژگانی اشاره می‌کنند. این توصیف فراگیر نیست؛ زیرا در ساخت کلمات مرکب زبان فارسی می‌توان انواع تکواژها (آزاد، وابسته، واژگانی و دستوری) یا واژه‌ها (بسیط و غیر بسیط) را یافت. بنابراین فرآیند ترکیب در زبان فارسی باید به گونه‌ای صورت بندی شود تا از عهده‌ی توصیف انواع واژه‌های موجود (بالفعل) و محتمل (بالقوه) زبان برآید. فرآیند ترکیب با کنارهم گذاشتن دو یا چند واژه‌ی بسیط یا تکواژ واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژ آزاد قاموسی یا دو واژه‌ی غیربسیط، واژه‌ی جدیدی می‌سازد." (شقایق ۱۹۱)

"برای مثال کلمه‌ی "شبنم" از دو تکواژ آزاد واژگانی، "دلبند" از دو تکواژ آزاد و وابسته‌ی واژگانی، "گیرودار" از دو تکواژ وابسته‌ی واژگانی و یک تکواژ آزاد دستوری، "چنان" از دو تکواژ آزاد دستوری و "چهارشنبه سوری" از دو واژه‌ی غیربسیط ساخته شده‌اند. هر کدام از این تکواژها ممکن است به مقولات مختلفی از قبیل اسم، صفت، فعل و... متعلق باشند. بر خلاف نگرش سنتی، اصطلاح مشتق را برای اشاره به کلمه‌های دارای پایه‌ی فعل به کار نمی‌بریم. کلمه‌های ساخته شده با فرآیند اشتقاق را مشتق نام می‌دهیم. از آنجا که سازه‌های کلمه‌ی مرکب ممکن است بسیط، غیربسیط، واژگانی، دستوری، آزاد یا وابسته باشند، با استفاده از اصطلاح واژه می‌توان گفت واژه‌ی مرکب از دو یا چند واژه ساخته شده و فرآیند ترکیب در این کار دخالت داشته‌است. "(همان)

## ه-ملاک‌های تشخیص واژه‌ی مرکب از گروه نحوی

### ۱-۵- ملاک آوایی

کلمه‌ی مرکب از هر تعداد واژه که ساخته شده باشد، آخرین هجای آن تکیه دار است. چنان که در واژه‌های "جوهر پاک کن" و "خوش خط و خال" می‌بینیم. اما در گروه نحوی، هر واژه‌ای برای خود تکیه‌ای مستقل دارد. به عنوان مثال در عبارت "دفتر علی" هجای آخر هر یک از دو واژه‌ی "دفتر" و "علی" تکیه دار است.

### ۲-۵- ملاک صرفی

در میان دو واژه‌ی سازنده کلمه‌ی مرکب نمی‌توان وندهای تصریفی مانند "ها" و "ان" قرار داد. برای مثال واژه‌ی مرکب "اسب سوار" را فقط به صورت "اسب سواران" یا "اسب سوارها" می‌توان جمع بست، نه به صورت "اسب‌ها سوار"، ولی در گروه‌های نحوی چنین نیست و مثلاً "دفتر علی" را باید به صورت "دفترهای علی" جمع بست.

### ۳-۵- ملاک نحوی

در میان واژه‌های سازنده‌ی کلمات مرکب نمی‌توان واژه یا عبارت دیگری را اضافه کرد، مثلاً کلمه‌ی مرکب "شیرزن" را نمی‌توان به صورت "شیر قوی زن" به کار برد اما چنین گسترشی در مورد گروه

نحوی امکان پذیر است، مثلا عبارت "گوشی تلفن" را می توان به صورت "گوشی این تلفن" گسترش داد.

فصل سوم:

بررسی آثار زبان فارسی در زمینه‌ی

ترکیب